مدیریت شهری
شماره ۳۰ پاییز و زمستان ۹۱
No.30 Automn & Winter
۵۳-۶۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۶/۱۹

مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی شهرهای میانی ایران؛ مورد پژوهی: زنجان و همدان

اسماعیل دویران*- دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
غلامرضا کاظمیان- عضو هیات علمی گروه مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
ابولفضل مشکینی- عضو هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
عبد الرضا رکن الدین افتخاری- عضو هیات علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
بیژن کلهرنیا- عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران تهران، ایران.

چکیده
مدیریت یکپارچه شهری مدیریتی است هم افزا،با حضور تمامی ذی نفعان و ذی نفوذان شهری در چارچوب نهادی، سازمانی و قانونی مشخص به منظور ارتقاء سطح مدیریت شهری و پایدار نمودن زیست پذیری شهر. این مقاله سعی بر آن داشته است با بررسی ساختار مدیریت شهری شهرهای میانی ایران (زنجان و همدان) در ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی با نگرش مدیریت یکپارچه بپردازد. روش تحقیق پژوهش از نوع پیمایشی- کمی بوده که با استفاده از روش اسنادی و میدانی گردآوری داده ها صورت پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای ستاد توانمند سازی اسکان غیررسمی، (بخش دولتی و عمومی) نهادهای مردمی و مردم ساکن در بافتهای اسکان غیر رسمی و فعالان اقتصادی (بخش خصوصی) مستقر در این بافتها می باشد. حجم نمونه برآورد شده برای بخش دولتی و عمومی ۱۸ سازمان، برای بخش مردمی ۶۲۰ نمونه و برای بخش خصوصی ۵۱۰ نمونه بوده است که با استفاده از روش آزمون میانگین و مدل تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل داده ها صورت پذیرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد در شهرهای میانی ایران مدیریت یکپارچه شهری عملکرد نیافته و مدیریت شهری دارای نگرش و کارکرد سنتی است و نتیجه این نوع نگرش ناکارمدی طرح های ساماندهی و گسترش مسائل شهری در بافتهای اسکان غیررسمی است. از طرف دیگر تشریک مساعی نهادی (هم افزایی نهادی) بعنوان پیش شرط پیاده سازی مدیریت یکپارچه در حال حاضر در این شهرها نامناسب و در پایه چرخه حیات مدیریت یکپارچه شهری واقع شده است.
واژگان کلیدی: مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه، شهرمیانی، اسکان غیر رسمی، ایران.

Urban integrated management in arranging of Informal settlement in Iran moderate cities (Zanjan and Hamadan)

Integrated management of urban management is also Synergic, with the participation of all stakeholders and influential city in the institutional framework, institutional and legal order to determine the steady level of urban management for city livability. This article is intended to scrutiny the management structure of the metropolitan cities of Iran (Zanjan and Hamedan) in arranging informal settlements with an integrated management approach.research method is survey- quantity method that achieves documents and field data collection has been done. Society statistical is members of the informal settlement enabling head quarters,(public and state sectors), community institutes people that living in informal settlements and economic actors (private sector) based in the tissues. Sample size estimates for the public sector and 18 public organizations for public and state sectors and samples for private sector and 620 samples for people that using the depletion method and the average test data analysis were performed. Results of the study show that in the middle of Iran's cities, urban integrated management has been the traditional function of attitude. This type of attitude and organization design and development urban issues in the tissues is an informal settlement. From the collaborating institution (institutional synergy) as a precondition for implementation of integrated management is now integrated in the urban poor and urban-based lifecycle management is situated.
Key words: Urban management, integration, Moderate city, Iran

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۷۴۲۰۳۴۵، رایانامه: Socialcapita2007@gmail.com
این مقاله حاصل کار نویسنده مسئول مکاتبات، تحت رساله دکتری با موضوع: ارائه الگوی مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی اسکان غیر رسمی در شهرهای میانی ایران (زنجان و همدان) می باشد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

۱- مقدمه

بر اساس آخرین آمار جمعیت جهان در پایان سال ۲۰۱۱ از مرز ۷ میلیارد نفر گذشته و پیش بینی ها حکایت از این دارد که تا سال ۲۰۵۰ این مقدار به ۹/۳ میلیارد نفر برسد. این در حالی است که جمعیت شهری جهان نیز به تناسب از همین افزایش با شدت زیاد در حال گسترش بوده که این گسترش در کشورهای در حال توسعه شتاب بیشتری را دارا می باشد. آمار حاضر نشان از این دارد که آینده جمعیت جهان در شهرها رقم خورده و شهرنشین شدن جوامع امری گریز ناپذیر است. طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران (مرکز آمار، نتایج اولیه سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰) جمعیت شهرنشین کشور ۷۳ درصد می باشد که در مقایسه با ۵ سال گذشته بیش از ۳ درصد رشد یافته است. گسترش ابعاد شهرنشینی ضرورت تغییر نگرش در مدیریت شهری را ضروری ساخته است. سیر تاریخی رویکردهای مدیریت شهری نشان می دهد که مدیریت شهری از روشهای سنتی پاتریمونال، دیوانسالارانه و زورمدارانه منحصر شده در حکومت های شهری به سمت روشهای مشارکتی، اجتماع گرایانه و دموکراتیک حکمروایانه گام نهاده است. این امر از آنجا ناشی می شود که رویکردهای سنتی در مواجه با مشکلات فزاینده شهرنشینی امروزین چون فقر، بیکاری، ترافیک، تراکم اخلاقی، آسیبهای اجتماعی، جرایم شهری، گسست فضایی، شکاف درآمدی و طبقاتی، حاشیه نشینی، بد مسکنی و غیره، کارآمدی خود را از دست داده و از پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف لازم برخوردار نمی باشد. از اینرو چاره کار در تغییر نوع نگاه به برنامه ریزی و مدیریت شهری با هدف زیست پذیر نمودن شهر متصور شده است که با نمود بارز آن پای نهادن به الگوهای مشارکت جویانه، اجتماع محور، شهروندمدار، همگرا و هم افزا در قالب رویکردهای مختلف حکمروایی مطلوب شهری، سرمایه اجتماعی و مدیریت یکپارچه است. یکی از مسائل پیش روی شهرهای کشورهای در حال توسعه چون ایران مساله حاشیه نشینی و فقر شهر ی نمود یافته در بافتهای ناکارآمد شهری همچون اسکان غیر رسمی است. در واقع آنچه رشد شتابان شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را در حالت بیم قرار داده است، مساله افزایش مقدار و میزان درصد جمعیت شهرنشین نیست بلکه مساله اساسی مهاجرت اجباری با انتخاب اختیاری در انواع مختلف آن (روستا – شهری، بین شهری (از شهرهای کوچک به شهرهای میانی و بزرگ)، درون شهری و غیره) است که به دلیل ضعف برنامه ریزی منطقه ای و توسعه در مبدا، موجبات تحرک و جابجایی جمعیت از نقاط توسعه نیافته (عمدتا روستاها و شهرهای کوچک) به مقصدی رشد یافته (کلانشهرها و شهرهای میانی) را فراهم نموده و ضعف برنامه ریزی و مدیریت شهری مقصد در پاسخگویی به جمعیت وارده موجبات رانده شدن جمعیت به حاشیه و شکل گیری حاشیه نشینی با نمودی از اسکان غیررسمی است. از این رو، چاره کار در مقیاس شهری این است که رویکردهای موجود مدیریت شهری در نظام مدیریت کشور از ماهیت سنتی خود، پوست اندازی کرده و قدم به رویکردهای نوین مدیریت شهری در قالب نظام حکمروایی شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری گذارد تا بتواند مسائل مربوط به فقر شهری و شکاف حاصل از آن را با شیوه های مشارکت طلبانه، هم افزایانه و یکپارچه حل نماید. با این توصیف، هدف این پژوهش بررسی و ارزیابی مدیریت شهری شهرهای میانی ایران از بعد شاخص های مدیریت یکپارچه و ضرورت کاربست مدیریت یکپارچه شهری در شهرهای میانی ایران جهت ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی است. در راستای هدف مزبور، سوال اساسی این پژوهش این است که **آیا مدیریت شهری شهرهای میانی ایران در مواجه با اسکان غیر رسمی منطبق بر اصول مدیریت یکپارچه شهری است؟ آیا بین نهادهای مختلف مدیریت شهری هم افزایی و**

مدیریت شهری
دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۰ پاییز و زمستان ۹۱
No.30 Automn & Winter

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

تشریک مساعی نهادی وجود دارد؟ آیا بکار بستن الگوی مدیریت یکپارچه شهری می تواند ساماندهی بافتهای اسکان غیر رسمی رابدنبال داشته باشد؟ برای کاربست این الگو جهت ساماندهی شرایط لازم چه می باشد؟ برای تبیین سوالات مزبور این فرض بنیان نهاده شده است که رویکرد فعلی مدیریت شهری در مواجه با اسکان غیررسمی در شهرهای میانی علرغم اقدامات صورت گرفته یکپارچه نبوده و مستلزم تغییر رویکرد و گام نهادن بر الگوهای مدیریت یکپارچه شهری است. از طرف دیگر شرط اصلی پیاده سازی مدیریت یکپارچه شهری در شهرهای میان ایران جهت ساماندهی اسکان غیر رسمی تشریک مساعی و هم افزایی نهادهای مختلف شهری (عمومی، دولتی، خصوصی و مردمی) است.

۲-چارچوب نظری

۲-۱-مدیریت شهری یکپارچه

موضوع اندیشه اداری و دانش مدیریت و به خصوص هدایت ورهبری موضوعی است که همواره با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۷۸، ص ۵). قبل از پیدایش مفهوم مدیریت بیشتر از اداره و اداره امور استفاده می کردند که وظیفه ای محدودتر و کم دامنه تر از مدیریت دارد گذر از اداره امور به مدیریت به معنای ایجاد تغییر عمده از جنبه تئوری و عملکرد می باشد (هیوز، ۱۳۷۷، ص ۸). تئوری مدیریت بعنوان فرایند طراحی و نگهداری محیطی است که در آن انسانها و گروه ها در قالب مجموعه کار برای هدافی خاص کار می کنند,Chakrabart, 2001) .(p332 در این بین مدیریت شهری مجموعه ای از ابزارها، فعالیتها، وظایف، و کارکردهایی است که به اطمینان می دهد تا کارکردهای شهری بتوانند شکل بگیرند. مدیریت شهری اطمینان می دهد که خدمات اساسی شهر برای گروه ها، افراد مختلف، اجتماعات محلی و عمومی به شیوه مناسب شکل گیرد .(Acioly,2003,p1-2) مدیریت شهری را می توان به مانند یک درخت تشبیه کرد که ترکیبی از اجزاء و قسمت های مختلف یک مجموعه که به یکدیگر وابسته اند و روابط متقابل میان آنها به شکل خاصی نظام یافته است (دوسنی،۱۳۷۰، ص ۶۲).

در سوی دیگر مفهوم مدیریت یکپارچه شهری مطرح است که بدنبال ناکارآمدی مدیریت شهری سنتی در حل مشکلات شهری و فزونی چالش های شهری همچون فقر، ناهنجاری اجتماعی، ناامنی، ترافیک، بیکاری، حاشیه نشینی، شکاف طبقاتی و غیره به پسوند واژه مدیریت شهری جهت اهمیت دادن به ضرورت یکپارچگی اضافه شده است. یکی از ایرادات اساسی مدیریت شهری سنتی نظریه انتقادی پر مسئولیت بودن دولت و مدیریت شهری صرفا دولتی است که بر این اعتقاد بود دولتها بتدریج وظایف بیشتری را در زمینه اداره جامعه از جمله مدیریت عمومی بر عهده گرفته اند که بسیار فراتر از توانایی مالی و اداری آنها است. بنابراین لزوم واگذاری امور و اختیارات و توزیع آن به نهادهای سطوح پایین تر در قالب نهادهای محلی ضروری است؛ چرا که ادامه روند حاضر بدلیل تسلط سرمایه داری خصوصی، وظایف دولتها را با انواع تعارض مواجه کرده و در نتیجه منجر به بروز بحران عقلانیت، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و نهایتا بحران مشروعیت را سبب ساز خواهد شد؛(yann,2009:33) بنابراین بدنبال مسائل و انتقادات مطرح شده اندیشه مدیریت شهری یکپارچه با رویکرد تکثرگرایی در کنار اندیشه های نوین برنامه ریزی و مدیریت شهری چند دهه اخیر مانند توسعه پایدار، برنامه ریزی مشارکتی، جامعه مدنی، شهروندی، خرد جمعی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و حکمروایی مطلوب شهری مطرح می شود؛ بطوری که سیاستهای برنامه ریزی و مدیریت شهری بویژه از دهه ۵۰ که رویکرد سیستمی نمود یافته و در دهه بعدی (۱۹۶۰) رویکرد ساختاری راهبردی با شیوه های و سبکهای نوین مدیریتی با هدف پایدارسازی شهر و توسعه پایدار آن رشد و نمو

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

پیدا می کند. در نهایت در دهه ۷۰ و ۸۰ با مطرح شدن مفاهیم برنامه ریزی مشارکتی، برنامه ریزی مردم محور، توسعه پایدار شهری حکمروایی مطلوب الگوهای مدیریت یکپارچه شهری نیز که منبعث از نظام حکمروایی مطلوب شهری است، گسترش می یابد. مدیریت یکپارچه شهری با الهام از حکمروایی خوب شهری دارای پارامترهای مختلف و متنوعی چون کارآمدی، شفافیت، مشارکت‌طلبی، حق اظهار نظر همگانی، انصاف، دانایی محوری و غیره است که بصورت یکپارچه با هم افزایی نهادهای مختلف شهری اقدام به بهبود محیط شهری و حل مسائل متعدد شهری از جمله اسکان غیر رسمی می نماید .(Chakrabart,2001,p13)در مدیریت یکپارچه شهری سازمان خردتر نه تحت حاکمیت و اختیار مدیر شهر بلکه هماهنگ با آن و البته با استقلال عملکردی در ساختار اداری شهر جای می گیرد. در این سیستم برعکس سیستم سنتی که انحصار قدرت تصمیم گیری و تصمیم سازی را در اختیار افراد یا گروهی خاص (عمدتا دولت) قرار می دهد، ذینفعان شهری در همه مراحل مدیریت شهری مشارکت فعال داشته و در آن دخیل هستند. این مفهوم در برگیرنده تمام سازمان های رسمی و غیر رسمی موثر بر اداره شهرها است که به نوعی در تصمیم گیری و تصمیم سازی و اجرای برنامه های مدیریت شهری دخالت دارند (کاظمیان،۱۳۹۰). تفاوت کاربست این شیوه مدیریت (بویژه در ساماندهی اسکان غیررسمی) با شیوه های پیشین (سنتی) در این است که:

۱- کنشگران در نظام سنتی محدود و عمدتا دولتی، اما در سیستم مدیریت یکپارچه زیاد و ترکیبی (مردمی، دولتی، خصوصی و عمومی) هستند.

۲- کارکرد سیستم مدیریت شهری سنتی عمدتا کالبد محور و فیزیکی و در سیستم یکپارچه عملکردهای مشارکت محور و با توجه به سایر ابعاد زندگی است.

۳- ساختارهای در مدیریت شهری سنتی بروکراتیک و در سیستم مدیریت یکپارچه دموکراتیک و باز است.

۴- تعامل در سیستم سنتی اقتدار طلب، عمودی و انحصارگرا و در سیستم یکپارچه پاسخگو، افقی و شفاف است.

۵- توزیع قدرت در سیستم سنتی مدیریت مبتنی بر تسلط دولت و عدم تعادل قدرت و در سیستم یکپارچه مبتنی بر آزادی و موازنه قدرت می باشد (کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴ و همچنین، ر.ک: به جدول شماره ۱).

۲-۲-شهرهای میانی و مدیریت

سابقه بحث در مورد شهرهای میانی به پیش از دهه ۷۰ برمی گردد.(Filho,1986:515) در نیمه اول قرن ۲۰ بویژه بعد از دهه ۱۹۳۰ مطالعاتی در زمینه اندازه شهر و ارتباط آن با مخارج شهروندی در قالب تئوریهای اقتصادی صورت گرفت که غالبا هدف آنها پیداکردن اندازه شهر بود که در آن هزینه فراهم کردن و آماده سازی کالاها و خدمات عمومی در حداقل بوده و حداکثرکارایی تامین می شود (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱، ص ۷). از آنجا که مفهوم متوسط یا میانی در کشورهای مختلف متفاوت می باشد، به همین دلیل برای درک عمومی از آنچه که شهر میانی خوانده می شود، معیار اندازه نسبی جمعیت بکار می رود (امکچی، ۱۳۷۰، ص ۷). راندینلی حد تناسب این مقدار را ۱۰۰هزار تا بالاتر (بدون در نظر گرفتن شهر بزرگ) می داند.(Rondinelli,1963:47)

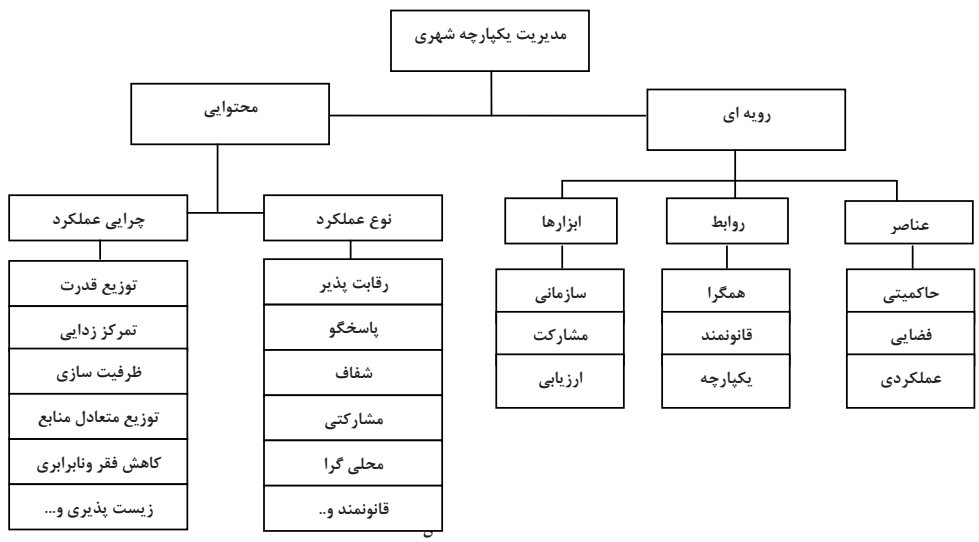
برنامه UIA99 در سطح کشورها شهرهایی با جمعیت ۵۰۰ هزار نفر و کمتر از آن و در مقیاس جهانی بین ۲۰ هزار تا ۲ میلیون نفر بعنوان شهر متوسط در نظر گرفته می شود .(UIA,1991:2-1) در فرانسه رقم مزبور ۲۰ تا۲۰۰ هزار نفر (ارجمندنیا، ۱۳۶۸، ص ۱۶۰)؛ درانگلستان ۵ تا۱۰۰ هزار نفر (Congdon,1989:120)؛ و در چین ۲۰ تا۵۰ هزار نفر (حامد مقدم، ۱۳۷۳، ص ۴۲-۷۴) بعنوان شهر میانی محسوب می شود. پیر ژرژ شهرهای متوسط دارای ۵۰ تا ۱۵۰هزار نفر می داند (فرید،۱۳۷۳، ص ۴۹۲). در ایران شهرهای با جمعیت ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر بعنوان شهر میانی محسوب می شوند (زبردست،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

جدول ۱. تفاوت مدیریت سنتی با مدیریت یکپارچه شهری؛ ماخذ: برمن، ۹۷۳۱، ص۴۰۱ برداشت از کاظمیان، ۳۸۳۱، ص ۴۱۱.

مدیریت سنتی (حکومت شهری)	معیار مقایسه	مدیریت نوین (حکمروایی - یکپارچه شهری)
تعداد محدود مشارکت کنندگان، عوامل اجرایی اساساً دولتی، عدم حضور نهادهای مردمی	کنشگران	تعداد زیاد مشارکت کنندگان، عوامل اجرایی بخش های مختلف مردمی، خصوصی و عمومی، شکل گیری نهادهای محلی
عدم شکل گیری مشاوره، عدم همکاری در صورتبندی سیاستها اجرایی، گستردگی زیاد موضوعات شهری، عملکرد عمدتا کالبدی- فیزیکی، برنامه ریزی و اجرای فن گرا	کارکرد ها و وظایف	انجام مشاوره، همکاری در اجرای سیاستها و صورتبندی آن، گستردگی کم موضوعات سیاسی، عملکرد مشارکت محور، توجه به سایر ابعاد زندگی شهری
مرزهای بسته و انعطاف ناپذیر،عضویت غیر موازیکاری،سازمانی،عملکردبروکراتیک، تخصیص منابع از بالا	ساختار	مرزها بسیار باز، عضویت داوطلبانه و خودیار، تعامل و هم افزایی سازمانی، عملکرد دموکراتیک، تمایل به توزیع قدرت و تمرکز زدا
اقتدار سلسله مراتبی و رهبری پیوسته از بالا میانکنش خصمانه و روابط متضاد، برخوردهای غیررسمی، پنهانکاری، رقابت انحصاری	قراردادهای میان کنش	مشاوره افقیو تحرک دورنی، توافق بر سر هنجارها تکنوکرتیک وروباط مبتنی بر همکاری، بازبودن و شفافیت، پاسخگویی نهادهای شهری، نقش نظارتی دولت، اعتماد و معامله به مثل و رقابت پذیری فعال همه نهادها
آزادی عمل بالای دولت از جامعه تسلط و اقتدار دولتی عدم نفوذ گروههای ذینفع عدم تعادل و همزیستی بین بازیگران	توزیع قدرت	آزادی عمل اندک دولت از جامعه تسلط پراکنده دولت تعادل و همزیستی بین بازیگران و منفعت طلبی چند جانبه هم افزا و همگرا

واگرا و ناپارچه- مدیریت شهری سنتی ← → همگرا و هم افزا (مدیریت شهری یکپارچه)



نمودار ۱. مختصات رویه ای و محتوایی مدیریت یکپارچه شهری؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۹۳۱.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

۱۳۸۳، ص ۱۰). با این حال شهر های میانی با هر اندازه جمعیتی در ایران به مانند کلانشهرها با چالش فقر شهری نمود یافته در محلات اسکان غیررسمی مواجه می باشند. شکل گیری اسکان غیررسمی در این شهرها بر عکس شهرهای بزرگ و کلانشهرها (که دارای مقیاس عملکردی ملی و حتی جهانی است) عمدتا دارای مقیاس منطقه ای بوده و بیشتر حوزه پیرامون خود (عمدتا روستاها) را در برمی گیرد. با این وجود در خصوص اندازه و مدیریت شهری، نظام های سیاسی اخیر بر این ادعاست که تخریب شهرها بیشتر از آنکه نتیجه رشد جمعیت باشد پیامد ضعف مدیریتی است. شهرداریها و حکومتهای محلی که قادر نیستند خدمات مورد نیاز ساکنان شهر را فراهم سازند، خود منشا مشکل هستند. این درست که پاره ای از شهرها نسبت به توان خود بیش از حد بزرگ می باشند اما برخی از این شهرهای بیش از حد بزرگ، بسیار کوچکند. می شود از شهرهایی نام برد که با ۱۰۰ تا۲۰۰ هزار نفر جمعیت بیش از حد بزرگ باشند، در حالیکه ابر شهرهایی نیز وجود دارند که از لحاظ مدیریتی دقیقا تحت کنترل هستند و بیش از حد بزرگ نمی باشند زیرا که مدیریت مناسب می تواند دائما منحنی سود و هزینه های شهری را تغییر و در واقع اندازه بهینه شهر را دچار دگرگونی کند. لذا مفهوم اندازه بهینه شهر زیاد کاربردی نیست بلکه انچه اهمیت دارد اندازه شهر نیست بلکه مسئله مدیریت آن است. در واقع وظیفه اصلی مدیریت شهری همانا جابجایی منحنی سود به سمت بالا و منحنی هزینه به سمت پایین می باشد (زبردست، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸). با این حال همانطور که ذکر شد شهرهای میانی بعنوان نقطه گرهگاهی توسعه بین شهرهای کوچک و روستاها و شهرهای بزرگ کشور می باشد. در تعیین نقاط مناسب برای ورود به شبکه مدیریت، شهرهای میانی از مطلوب ترین موقعیت برخوردارند (Schimitt,2000,22). این گروه از شهرها با توجه به اندازه آنها از نظر جمعیتی و مرکزیتی که نسبت به حوزه تحت پوشش خود دارند، مجموعه الزامات از جمله دفاتر، شعبات، سازمانها و موسسات سیاسی –اداری و انتظامی را در خود می پذیرند. بدین ترتیب علاوه بر قرارگیری در مدار نظام مدیریت شهری، حوزه نفوذ خود را نیز به شبکه مدیریت سرزمین پیوند می دهد.

۲-۳-مدیریت شهرهای میانی ایران و اسکان غیر رسمی

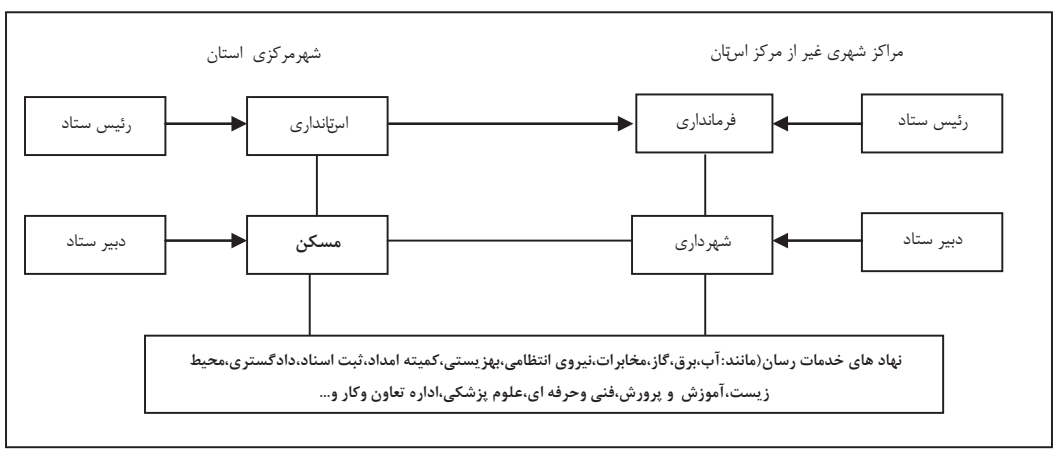
با وجود قابلیت های ذکر شده برای شهر های میانی، مدیریت شهری شهرهای میانی ایران متاثر از مدیریت کلان کشوری است که با توجه به حاکمیت برنامه ریزی متمرکز و واگرا در کشور الگوی مدیریتی بصورت چند پارچه با تمرکز بخش دولتی و شبه دولتی بر تمام شهرهای کشور نیز حاکم شده است. تفاوتهای مدیریت شهری شهرهای میانی ایران با شهرهای کوچک و کلانشهرهای آن در جدول شماره ۲ آمده است.

سیاست مدیریت شهری مداخله در اسکان غیررسمی شهرهای میانی ایران به مانند سایر شهرهای آن سیاست برگرفته از رویکرد اجتماع گرایی در قالب راهبرد توانمندسازی است؛ بطوریکه همزمان با تشکیل ستاد توانمندسازی در سال ۱۳۸۳ در سطح ملی نیاز به ساختار مدیریتی در سطوح پایین تر احساس شد که نتیجه آن تشکیل ستاد توانمند سازی استان و شهرستان با ترکیبی از سازمانها و نهادهای مختلف مدیریت شهری (البته بجز مدیریت بخش مردمی و خصوصی) بود. تشکیل ستاد توانمندسازی استانی برای مرکز استان و ستاد شهرستانی برای سایر شهرهای استان (با اولویت شهرهای بالای۱۰۰ هزار نفر) از جمله اقدامات مدیریت در سطح کلان ملی و تسری آن به سطوح پایین تر شهری از جمله شهرهای میانی می باشد. بنابراین ساختار مدیریت شهری در شهرهای میانی در حال حاضر در مواجه با اسکان غیر رسمی علاوه بر اقدامات مقطعی چون تامین خدمات عمدتا با ساختار ستاد توانمندسازی شناخته می شود بطوریکه با احساس نیاز مدیریت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

جدول ۲. مقایسه مدیریت شهری شهرهای میانی،کلانشهرها، و شهرهای کوچک در ایران

شاخص	کلان شهر	شهر میانی	شهرکوچک
تعدد نهادی	زیاد	عمدتا بخش دولتی- عمومی	عمدتا بخش دولتی و عمومی وابسته به دولت
توان جذب منابع	مناسب	ناکافی	بسیار ناکافی
تخصیص منابع	مناسب	ناکافی	بسیار ناکافی
قلمرو نفوذ در سرزمین	ملی	منطقه ای-ناحیه ای	بخشی-شهری
حوزه عملکردی	ملی-فراملی	منطقه ای-ناحیه ای	شهری
وابستگی به حکومت	نسبی	زیاد	خیلی زیاد
استقلال عملکردی	نسبی	وابسته به دولت	وابسته با دولت
نفوذ بخش خصوصی	وابسته به بخش عمومی- دولت	وابسته به دولت	وابسته به دولت
نفوذ بخش عمومی	نسبتا مناسب	وابسته به دولت	وابسته به دولت
نفوذ بخش دولتی	نسبی	زیاد	خیلی زیاد
نفوذ بخش مردمی	نسبی	کم	خیلی کم
نظام تصمیم گیری شهری	بخش عمومی-دولتی	بخش عمومی-دولتی	بخش دولتی و عمومی وابسته به دولت
عناصر مدیریت شهری	عمدتا بخش عمومی- دولتی- خصوصی	عمدتادولتی و عمومی	دولتی
روابط بین عناصر	واگرا- موازی-ناهم افزا	واگرا- ناهم افز	تمایل به همگرایی



نمودار ۳. ساختار ستاد توانمندسازی و مدیریت مداخله در شهرهای میانی، ماخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۹۳۱

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

شهری به تهیه طرح توانمندسازی، موضوع به شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری کشور و دبیرخانه ستاد توانمندسازی مستقر در این شرکت اعلان و درخواست ضرورت تهیه طرح مداخله در سکونتگاههای غیر رسمی شهر را بررسی و برای مطالعه به مشاور دارای شرایط ابلاغ می نماید (ر.ک: نمودار شماره ۳).

۳-روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر روش پیمایشی-کمی بوده که گردآوری داده های مورد نیاز بصورت اسنادی و میدانی بوده است. در روش اسنادی چارچوب نظری مدیریت شهری و مدیریت یکپارچه با مطالعات کتابخانه ای شرح داده شده و شاخص های این مدیریت جهت ساماندهی اسکان

جدول ۳. مولفه های و شاخص های پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

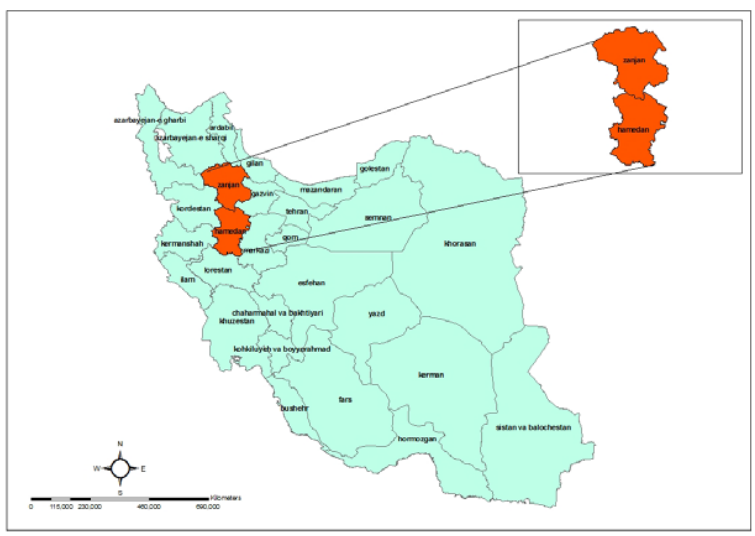
مولفه	شاخص (معیار)	نماگرها
ظرفیت نهادسازی (تشکیل و گسترش نهادهای مردمی) در بافتهای اسکان غیررسمی	سرمایه محلی سکونتگاه های غیررسمی	میزان تجربه محلی در نهادسازی در سکونتگاه های غیررسمی
		میزان نهاد دایر در حال حاضر در سکونتگاه های غیررسمی
		وجود افراد متخصص محلی در سکونتگاه های غیررسمی
		میزان مهارتهای موجود در سکونتگاه های غیررسمی
	ظرفیت پذیرش ساکنان سکونتگاه های غیررسمی	میزان تمایل ساکنان اسکان غیررسمی به نهادسازی
		میزان انگیزه ساکنان اسکان غیررسمی به نهادسازی
		مقبولیت نهادهای محلی در میان مردم ساکن درسکونتگاه های غیررسمی
		میزان مشارکت مردم با نهادهای مدیریت شهری در حال حاضر
		میزان اعتماد مردم سکونتگاههای غیررسمی به مدیریت شهری
		میزان مشارکت ساکنان در نهادسازی بافتهای سکونتگاه غیررسمی
		مقدار نفوذ ساکنان اسکان غیررسمی در نهادهای مدیریت شهری در حال حاضر
	همبستگی اجتماعی	محرکهای اجتماعی (همبستگی جمعی ساکنان) بافت اسکان غیررسمی
مشارکت نهادی و تشریک مساعی نهادی (هم افزایی نهادی (دولتی- عمومی) در مواجه بافتهای اسکان غیررسمی	سرمایه اجتماعی درون نهادی	میزان اعتماد درون نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		میزان مشارکت درون نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		میزان اگاهی و اطلاع نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		انسجام و توان جمعی نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
	سرمایه اجتماعی میان نهادی	میزان اعتماد بین نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		میزان مشارکت بین نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		تسهیلگری میان نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		تعامل میان نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
ظرفیت - ترتیبات نهادی در مواجه اسکان غیررسمی	توانایی نهادی (دولتی- عمومی) مداخله در بافتهای اسکان غیررسمی	منابع نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		رسمیت نهادی در مدیریت شهری در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		داشتن برنامه ریزی راهبردی نهادی مداخله در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		پاسخگویی نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		شفاف سازی نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		زیست پذیر نمودن سکونتگاه غیررسمی
		انعطاف پذیری نهادی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
	خوانایی قوانین رسمی در اسکان غیررسمی	شفاف بودن قوانین و مقررات در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		عدم تعدد قوانین و مقررات در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
		همپوشانی قوانین و مقررات در مواجه با بافت اسکان غیررسمی
	بستر قانونی لازم	تناسب قوانین و مقررات ملی مداخله با شرایط محلی سکونتگاه غیررسمی
		اختیار نهادها در تدوین مقررات جهت مداخله در سکونتگاه غیررسمی
		میزان الزام قانونی در تشریک مساعی نهادها در مواجه با اسکان غیررسمی
	حضور نهادی	حضور ذینفعان و ذینفوذان در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی در مواجه با بافت اسکان
		حضور نهادهای محلی سکونتگاه های غیررسمی در فرایند تقسیم قدرت شهری
		ارتباط و تعامل نهادی با نهادهای ملی در مواجه با بافت اسکان غیررسمی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

غیررسمی حاصل شد. در نتیجه با توجه به مختصات رویه ای و محتوایی مدیریت یکپارچه (نمودار شماره ۱) سه مولفه ظرفیت و توانایی جامعه محلی (ساکنان اسکان غیررسمی) ظرفیت و ترتیبات نهادی و تشریک مساعی نهادی بعنوان مولفه های اصلی سنجش مدیریت یکپارچه لحاظ شد. مولفه های مورد نظر خرد شده و شاخص ها حاصل شد که در نتیجه آن ۱۰ شاخص برای سنجش مولفه ها بدست آمد؛ شاخص ها تبدیل به نماگرهای مختلف و سپس نماگرها تبدیل به گویه ها شده و نتایج در قالب پرسش نامه تدوین شد. با توجه به مختصات رویه ای و محتوایی سعی بر آن بوده است که عناصر ذکر شده در این مختصات در قالب مولفه ها، شاخص ها و نماگرها سنجیده شود. جدول شماره ۳، مولفه ها و شاخص ها و نماگرهای مدیریت یکپارچه بکاربسته شده را نشان می دهد. در روش میدانی با توجه به شاخص های مدیریت یکپارچه نماگرها مورد نظر تهیه و جهت اعتبار سنجی (روایی) آنها به حدود ۲۵ نفر از صاحبنظران مدیریت شهری و اسکان غیر رسمی کشور داده شد. نتیجتا از حاصل نظرات صاحبنظران گویه های مدیریت یکپارچه تهیه و بصورت پرسش نامه در آمد. با توجه به شاخص ها و نماگرهای مورد نظر برای سه بخش اعضای ستاد توانمندسازی (مدیریت دولتی و عمومی (شهرداری و شورای شهر)، نهادهای مردمی، بخش خصوصی) پرسش نامه میدانی تکمیل شد. حجم نمونه برای مدیریت دولتی ۱۶ سازمان برای هر شهر، مدیریت عمومی ۲ سازمان، بخش مردمی (ساکنین محلات اسکان غیر رسمی)۶۲۰ نمونه، و فعالان اقتصادی محلات اسکان غیر رسمی بعنوان بخش خصوصی ۵۱۰ نمونه با استفاده از روش نمونه گیری کوکران بدست آمد. دادهای حاصل در نرم افزار SPSS پیاده شده و با استفاده از آزمون میانگین، رگرسیون و تحلیل مسیر، تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیات انجام پذیرفت. پایایی بدست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش نامه مردم ۰,۷۳، برای بخش خصوصی ۰,۷۷، برای بخش عمومی (شهرداری و شورای شهر) ۰,۷۸ و برای بخش دولتی مدیریت شهری ۰,۸۴ می باشد که نشان از پایایی مناسب تحقیق است.

۴-محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این پژوهش شهرهای میانی کشور با نمونه موردی شهرهای زنجان و همدان می باشد. شهر زنجان یکی از شهرهای شمالغربی کشور با جمعیت ۴۰۰ هزار نفر بعنوان مرکز سیاسی



نقشه ۱. موقعیت شهرهای مورد مطالعه در ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

استان زنجان دارای ۷۰ هزار نفر سکنه اسکان غیر رسمی در ۴محله و شهر همدان بعنوان یکی از شهر های غربی کشور با جمعیت ۴۶۰ هزار نفر دارای ۱۰۰ هزار نفر سکنه اسکان غیر رسمی در ۵ محله است. موقعیت شهرهای مطالعه و محلات اسکان غیررسمی محدوده مورد مطالعه در نقشه شماره ۱ آمده است.

۵-یافته های و نتایج پژوهش

جهت سنجش و ارز یابی وجود یا عدم وجود مدیریت یکپارچه شهری در شهرهای میانی از آزمون میانگین و واریانس استفاده شد. بر این اساس با توجه به آزمون انجام شده در بخش های چهارگانه مدیریت شهری ضریب نفوذ بخش مردمی و خصوصی در ساختار مدیریت شهری شهرهای مورد مطالعه (زنجان و همدان) بسیار پایین تر از میانگین است و عمدتا مداخلات مدیریت شهری در بافتهای اسکان غیررسمی بر پایه نهادهای دولتی و عمومی وابسته به دولت عملکرد یافته است. با این حال سرمایه محلی سکونتگاههای غیررسمی بطور میانگین ۳,۱۰، همبستگی اجتماعی ساکنان (بخش مردمی) ۳,۴۷ و ظرفیت پذیرش نهادهای مردمی در میان ساکنان (مقبولیت محلی) دارای میانگین ۳,۶۴ می باشد. از نظر سرمایه اجتماعی سرمایه اجتماعی درون نهادی در بین بخش مردمی ۳,۴۷، در بخش خصوصی ۲,۹، در بخش دولتی۲,۶ و در بخش عمومی مدیریت شهری ۲,۴ می باشد. توانایی نهادهای شهری برای مداخله در سکونتگاه غیر رسمی در بخش مردمی ۳,۱۰، در بخش خصوصی ۴,۲ ، در بخش عمومی ۲,۷ و در بخش دولتی ۲,۶ می باشد که این نشان از ظرفیت بالای بخش مردمی و بخش خصوصی

مدیریت شهری
دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۰ پاییز و زمستان ۹۱
No.30 Autumn & Winter

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون میانگین و ورایانس

شهر	آماره	سرمایه محلی	ظرفیت پذیرش ساکنان	همبستگی اجتماعی محل	خودآیایی قوانین	بستر قانونی	سرمایه اجتماعی درون نهادی				سرمایه اجتماعی میان نهادی				توانایی نهادی مداخله				حضور نهادها در مدیریت شهری			
							مردمی	خصوصی	دولتی	عمومی	مردمی**	خصوصی	دولتی	عمومی	مردمی	خصوصی	دولتی	عمومی	مردمی	خصوصی	دولتی	عمومی
	میانگین	۳.۰۷	۳.۵۸	۳.۵۳	۲.۳	۲.۱	۳.۵۳	۲.۸	۲.۵	۲.۴		۳.۲	۲.۳	۲.۶	۳.۱۰	۴.۰۳	۲.۵	۲.۷	۱	۱.۴	۲.۰	۲.۹
	واریانس	.۳۱	.۱۷	.۱۳	.۳۱	.۳۴	.۳	.۵۳	.۵	.۶		.۵	.۷	۱.۵	.۵	.۸	.۴	.۸	.۳	.۶	.۹	۲.۱
	انحراف معیار	.۰۹	.۰۳	.۰۲	.۰۴	.۰۶	.۲	.۲۸	.۳	.۴		.۲	.۴	۲.۴	.۳	.۶	.۲	.۶	.۱	.۴	.۸	۴.۴
	میانگین	۳.۱	۳.۶۸	۳.۴۱	۲.۵	۲.۴	۳.۴۱	۲.۹	۲.۷	۲.۵		۳.۴	۲.۶	۳	۳.۱	۳۷۶	۲۷	۲.۵	۱	۱.۵	۲.۱	۲.۱
	واریانس	.۱۹	.۳۰	.۳۸	.۴۴	.۵۵	.۱۳	.۳۰	.۳	.۳		.۴	.۵	.۳	.۸	.۳	.۴	.۴	.۳	.۷	.۵	.۳
	انحراف معیار	.۰۴	.۰۹	.۱۴	.۱۹	.۳۱	.۰۴	.۰۹	.۱	.۱		.۱	.۲	۴.۸	.۶	.۱	.۲	.۲	.۸	.۵	.۲	.۱
	میانگین	۳.۱۰	۳.۶۴	۳.۴۷	۲.۵	۲.۲	۳.۵۰	۲.۹	۲.۶	۲.۴		۳.۳	۲.۴	۲.۸	۳.۱۰	۴.۲	۲.۶	۲.۷	۱	۱.۴	۲	۲.۶
	واریانس	.۱۷	.۲۶	.۳۵	.۳۴	.۴۳	.۱۷	.۴۲	.۴	.۵		.۴	.۶	۱.۱	.۵	.۶	.۳	.۶	.۷	.۷	.۷	۱.۵
	انحراف معیار	.۰۳	.۰۷	.۱۲	.۱۲	.۱۸	.۰۳	.۱۸	.۲	.۲		.۲	.۴	۱.۳	.۲	.۴	.۱	.۳	.۲	.۵	.۵	۲.۴

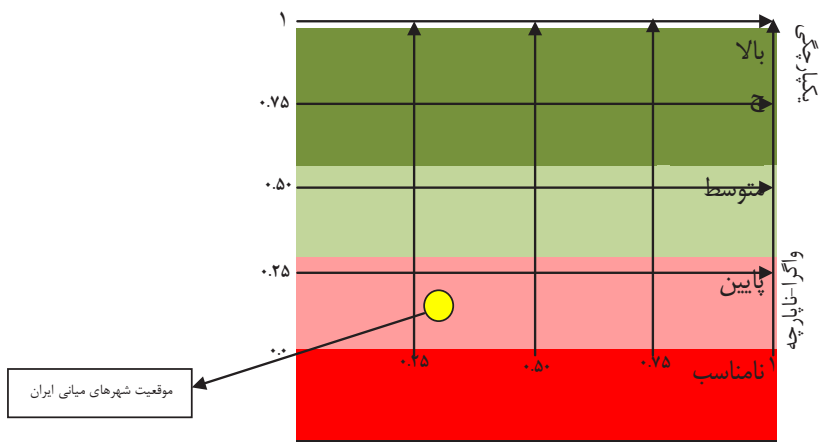
*-حداقل میانگین ۱ و حداکثر میانگین ۵ می باشد.

** سرمایه اجتماعی میان نهادی در بخش مردمی قابل سنجش نبوده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

(فعالان اقتصادی) محلات اسکان غیر رسمی نسبت به دو بخش دیگر می باشد. بررسی حضور نهادهای مورد بررسی در ساختار مدیریت شهری فعلی نشان می دهد که بخش مردمی دارای ضریب نفوذ ۱، بخش خصوصی دارای ضریب نفوذ ۱,۴، بخش عمومی ۲,۶ و بخش دولتی نیز ۲,۶ می باشد. این داده ها نشان می دهد که ضریب نفوذ بخش مردمی و خصوصی در ساختار مدیریت شهری پایین بوده و عملکرد مدیریت شهری شهرهای میانی عمدتا تحت اختیار بخش دولتی و عمومی است. واریانس داده های حاصل نیز نشان می دهد که اکثر شاخص ها تمایل به سمت حداقل واریانس (یعنی صفر) داشته که این نشان از همگونی پاسخ ها در جامعه آماری است. با این توصیف می توان گفت که در نظام مدیریت شهری شهرهای میانی حضور نهادهای مردمی و خصوصی در فرایند مدیریت و مداخله در جهت ساماندهی پایین بوده و همین عامل منجر به ناکارآمدی مداخلات در سکونتگاههای غیر رسمی شده است. لذا فرض H۰ یعنی وجود مدیریت شهری یکپارچه در جهت ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی شهر های میانی ایران مورد تایید نبوده و فرض H۱ عدم یکپارچگی مدیریت شهری در ساماندهی اسکان غیر رسمی شهرهای میانی مورد تایید قرار می گیرد. جدول شماره ۴ و شکل شماره ۱ وضعیت قرارگیری شهرهای میانی ایران (زنجان و همدان) از نظر مدیریت یکپارچه شهری در مواجه با اسکان غیر رسمی را نشان می دهد.

در جهت سنجش عوامل موثر بر مدیریت یکپارچه



شکل ۱. بارومتر شهرهای میانی از نظر مدیریت یکپارچه شهری در مداخله با اسکان غیر رسمی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

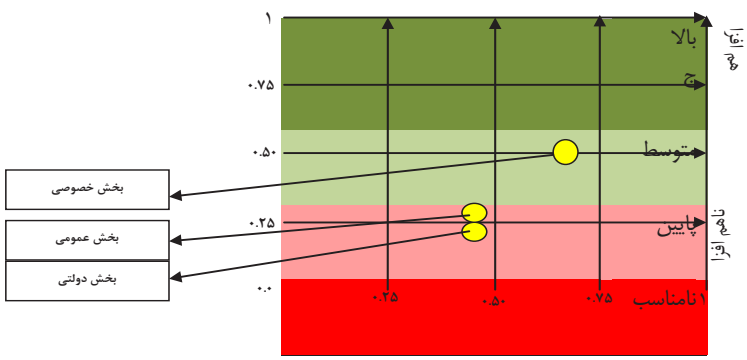
جدول ۵. نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر

Model Summary								
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics			
					R Square Change	F Change	df۱	df۲	Sig. F Change And ANOVA
بخش دولتی	.۹۵۴[a]	.۹۱۰	.۸۹۵	.۱۹۹۳۵	.۹۱۰	۵۸.۷۵۴	۵	۲۹	.۰۰۰
بخش عمومی	.۹۵۴[a]	.۹۱۰	.۸۹۵	.۱۹۹۳۵	.۹۱۰	۵۸.۷۵۴	۵	۲۹	.۰۰۰
بخش مردمی	.۳۸۳[a]	.۱۴۷	.۱۳۹	.۱۸۷۶۲	.۱۴۷	۱۹.۱۷۵	۳	۳۳۴	.۰۰۰
بخش خصوصی	.۷۷۵[a]	.۶۰۰	.۵۹۷	.۲۷۲۰۵	.۶۰۰	۲۵۲.۸۵۵	۳	۵۰۶	.۰۰۰

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

و ازمون فرضیه دوم از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. بر اساس داده های حاصل از این مدل مقدار ضریب تعیین (r۲) بدست آمده برای بخش دولتی ۰,۹۱۰، برای بخش عمومی ۰,۹۱۰، برای بخش مردمی۰,۱۴۷ و برای بخش خصوصی ۰,۶۰ می باشد. این بدان معنی است که در بخش دولتی ۹۱ درصد و در بخش عمومی ۹۱ درصد، در بخش خصوصی ۶۰ درصد و در بخش مردمی ۱۵ درصد تشریک مساعی نهادها با یکدیگر توسط این عوامل تبیین شده است. با توجه به ضعف تعامل و تشریک مساعی نهادهای مردمی با نهادهای دولتی مقدار ضریب تعیین حاصل امری طبیعی است. (رک جدول ۵)

یافته های حاصل از تاثیر متغیرهای وابسته به متغیر مستقل برای تشریک مساعی نهادی نشان می دهد که که در بخش دولتی و عمومی تاثیرمستقیم سرمایه اجتماعی درون نهادی بر تشریک مساعی ۱۱ درصد، در بخش خصوصی ۲۷ درصد و در بخش مردمی ۱۲ درصد می باشد. اثر مستقیم شاخص توانایی نهادی در بخش دولتی و عمومی ۱۵ درصد، در بخش خصوصی ۵۰ و در بخش مردمی ۱۰ درصد می باشد. اثر مستقیم شاخص حضور نهادی در بخش دولتی و عمومی ۷۷ درصد، در بخش خصوصی ۹درصد و در بخش مردمی ۳۵ درصد می باشد. بستر قانونی مداخله و همچنین خوانایی قوانین نیز تاثیر مستقیم چندانی در تشریک مساعی نهادی ندارند. اثرات غیر مستقیم و اثر کل شاخص ها در جدول شماره ۶ آمده است. بنابراین با این توضیح تاثیر شاخص حضور نهادهای مختلف شهری در مدیریت شهری برای بخش عمومی، دولتی و مردمی بیشتر از سایر گزینه ها می باشد. در بخش خصوصی هم تاثیر مستقیم شاخص توانایی نهادی در ایجاد تشریک مساعی بیشتر ازسایر شاخص ها به چشم می خورد. با این توصیف می توان نتیجه گرفت که حضور نهادهای مختلف شهری برای بخش دولتی، بخش عمومی، و بخش مردمی در ساختار مدیریت شهری اهمیت فراوانی را دارد. برای بخش خصوصی نیز شاخص توانایی نهادی و پتانسیل این بخش بر هم افزایی و تشریک مساعی نهادی اثر گذاری بیشتری را نشان می دهد (رک به جدول شماره ۶). همچنین بر اساس جدول شماره ۴ و همچنین شکل شماره ۲ (بارومتر) از نظر شاخص های تشریک مساعی نهادی در مدیریت شهری که با شاخص سرمایه اجتماعی میان نهادی تعریف شده است مشاهده می شود که میانگین حاصله در بخش خصوصی ۳,۳ (با ضریب ۰,۶۶) در بخش دولتی ۲,۴ (با ضریب ۰,۴۴) و در بخش عمومی ۲,۸ (با ضریب ۰,۴۷) است که بجز بخش خصوصی که دارای تشریک مساعی بین نهادی بالاتر از حد میانگین هستند نهادهای مسلط شهری یعنی بخش دولتی و عمومی تشریک مساعی پایین تر از حد میانگین در ساماندهی اسکان غیر رسمی شهرهای میانی دارند. این نشان می دهد که هم افزایی نهادی در بخش های تاثیرگذار مدیریت شهری از نسبت



شکل ۲. بارومتر شهرهای میانی از نظر تشریک مساعی نهادی در مداخله با اسکان غیر رسمی؛ ماخذ: نگارندگان ۱۹۳۱

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

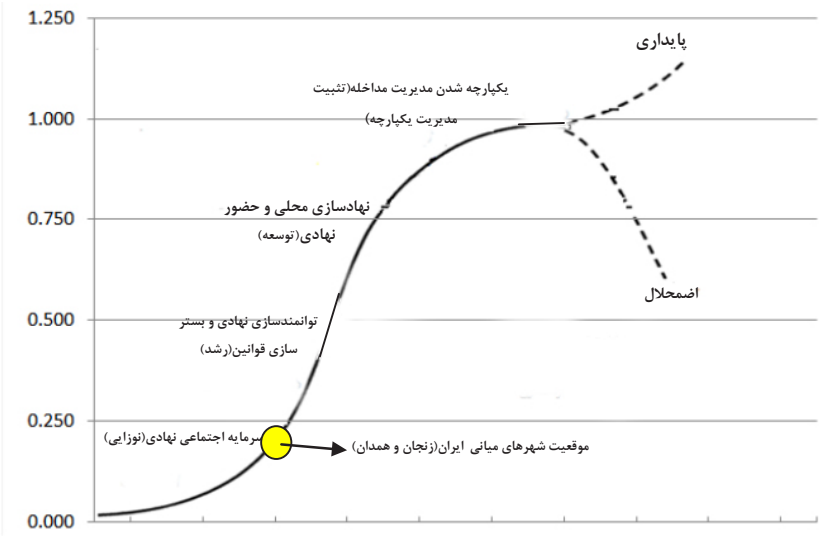
جدول ۶. داده های حاصل از تحلیل مسیر؛ ماخذ: نگارندگان ۱۹۳۱

Coefficients[a]							
Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	تاثیر غیر مستقیم	r(اثرکل)
		B	Std. Error	Beta(تاثیر مستقیم)			
سرمایه اجتماعی درون نهادی	بخش دولتی	۰.۱۵۲	۰.۱۱۷	۰.۱۱۲	۱.۳۰۰	۰.۰۳۶	۰.۱۴۸
	بخش عمومی	۰.۱۵۲	۰.۱۱۷	۰.۱۱۲	۱.۳۰۰	۰.۰۳۶	۰.۱۴۸
	بخش خصوصی	۰.۲۷۱	۰.۰۶۶	۰.۲۶۶	۴.۰۹۸	۰.۰۵۰	۰.۳۱۶
	بخش مردمی	۰.۰۸۱	۰.۰۳۷	۰.۱۲۷	۲.۱۹۱	۰.۰۰۰	۰.۱۲۷
توانایی نهادی	بخش دولتی	۰.۲۲۶	۰.۲۵۵	۰.۱۵۱	۰.۸۷۷	۰.۰۴۸	۰.۱۹۹
	بخش عمومی	۰.۲۲۶	۰.۲۵۵	۰.۱۵۱	۰.۸۷۷	۰.۰۴۸	۰.۱۹۹
	بخش خصوصی	۰.۳۴۵	۰.۰۴۴	۰.۴۹۸	۷.۷۲۶	۰.۰۴۹	۰.۵۴۷
	بخش مردمی	۰.۱۱۸	۰.۰۷۹	۰.۱۰۳	۱.۴۹۲	۰.۰۰۵۰	۰.۱۰۸
حضور نهادی	بخش دولتی	۰.۶۴۸	۰.۱۰۴	۰.۷۶۹	۶.۲۴۹	۰.۰۵۰	۰.۸۱۹
	بخش عمومی	۰.۶۴۸	۰.۱۰۴	۰.۷۶۹	۶.۲۴۹	۰.۰۵۰	۰.۸۱۹
	بخش خصوصی	۰.۰۵۴	۰.۰۱۸	۰.۰۸۹	۳.۰۲۸	۰.۰۴۸	۰.۱۳۷
	بخش مردمی	۰.۲۷۳	۰.۰۵۶	۰.۳۵۳	۴.۸۴۴	۰.۰۰۱۲	۰.۳۵۴۲
بستر قانونی مداخله	بخش دولتی	۰.۰۰۰	۰.۱۱۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۴	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱
	بخش عمومی	۰.۰۰۰	۰.۱۱۵	۰.۰۰۰	۰.۰۰۴	۰.۰۳۶	۰.۰۳۶
خوانایی قوانین	بخش دولتی	۰.۱۷۹	۰.۱۱۳	۰.۹۹	۱.۵۸۵	۰.۰۰۷	۰.۱۰۶
	بخش عمومی	۰.۱۷۹	۰.۱۱۳	۰.۹۹	۱.۵۸۵	۰.۰۳۶	۰.۱۳۵
a. Dependent Variable: سرمایه میان نهادی							

پایین تری برخوردار است؛ لذا تشریک مساعی نهادی برای مدیریت یکپارچه از ارکان اساسی پیاده سازی مدیریت یکپارچه شهری محسوب می شود.

بنابراین فرض دوم یعنی ضرورت ایجاد تشریک مساعی نهادی برای ایجاد مدیریت یکپارچه شهری را باید اینوگنه تشریح کرد که اولا توسعه سرمایه اجتماعی و هم افزایی نهادی (بویژه هم افزایی میان نهادی) گام اول مدیریت یکپارچه شهری است. که با توجه به آزمون تحلیل مسیر سنجش نسبت تعیین آن با دیگر شاخص ها اهمیت بسیار بالایی را نشان داد. از سوی دیگر با توجه به رتبه بندی انجام گرفته حاصل از نظرات صاحبنظران این عرصه و اولویت بندی نظرات آنان شاخص سرمایه اجتماعی نهادی (هم افزایی نهادی) در اولویت اول (دوره نوزایی مدیریت یکپارچه)، ایجاد توانایی نهادی و بسترساز ی و خوانا نمودن قوانین در رتبه دوم (دوره رشد مدیریت یکپارچه) نهادسازی محلی و حضور نهادهای محلی –مردمی و خصوصی در مدیریت مداخله در رتبه سوم (دوره توسعه مدیریت یکپارچه) و نهایتا حاصل این موراد یکپارچه شدن مدیریت شهری و تثبیت آن جهت مداخله در سکونتگاههای غیر رسمی است. با این ترتیب چرخه حیات دستیابی به مدیریت یکپارچه شهری و موقعیت شهرهای میانی آن در ایران که حاصل میانگین گیری، اولویت بندی و امتیازبندی شاخص ها می باشد ترسیم شد. چرخه حیات مورد نیز با توجه به اولویت هم افزایی و تشریک مساعی نهادی بر ضرورت آغاز مدیریت یکپارچه شهری در شهر های میانی ایران از این شاخص تاکید دارد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]



شکل ۳. چرخه حیات دستیابی مدیریت یکپارچه شهری و جایگاه شهرهای میانی ایران در آن؛ ماخذ: نگارندگان ۱۹۳۱

بنابراین با این توضیحات ذکر شده فرضیه H۱ یعنی شرط اصلی مدیریت یکپارچه شهری تشریک مساعی نهادی و هم افزایی نهادی است مورد تایید قرار می گیرد.

۶-نتیجه گیری و جمعبندی

مدیریت یکپارچه شهری بعنوان اندیشه نوین در برنامه ریزی و مدیریت شهری بدنبال ناکارآمدی رهیافت های سابق مدیریت و گسترش ابعاد و مسائل شهرنشینی همچون فقیر و حاشیه نشینی (ساکان غیر رسمی) و عدم پاسخگویی مدیریت سنتی شکل گرفت. در این شیوه مدیریتی تمامی ذینفعان و ذینفوذان شهری که در نظام شهری دارای نقش و کارکرد می باشند بصورت هم افزایانه و در کنار هم با توجه به وظایف تعریف شده در چارچوب ساختاری همگرا ایفای نقش می نمایند. ساختار محتوایی این مدیریت رقابت پذیر، پاسخگو، شفاف، مشارکتی، محلی گرا و قانونمند است تا بتواند توزیع قدرت، توزیع منابع را متعادل و عادلانه ساخته و ظرفیت سازی نهادی را با تمرکز زدایی مدیریتی با هدف زیست پذیری شهری جامه عمل بپوشاند. در این مدیریت عناصر شهری که در برگیرنده عناصر حاکمیتی (دولتی، عمومی، مردمی و خصوصی) عناصر فضایی و عناصر عملکردی هستند بصورت همگرا، قانونمند، یکپارچه با استفاده از ابزارهای سازمانی، مشارکتی در کنار هم فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری را شکل دهند. با توجه به بررسی صورت گرفته در شهرهای میانی ایران از باب کارکرد مدیریت شهری در ساماندهی اسکان غیررسمی با نگرش مدیریت یکپارچه این نتیجه را حاصل کرد که در شهرهای میانی ایران مدیریت یکپارچه شهری عملکرد نیافته و مدیریت شهری دارای نگرش و کارکرد سنتی است و نتیجه این نوع نگرش ناکارمدی طرح های ساماندهی و گسترش مسائل شهری در بافتهای اسکان غیررسمی است.از طرف دیگر تشریک مساعی نهادی (هم افزایی نهادی) بعنوان پیش شرط پیاده سازی مدیریت یکپارچه در حال حاضر در این شهرها نامناسب و در پایه چرخه حیات مدیریت یکپارچه شهری واقع شده است؛ لذا ضروری است تشریک مساعی نهادی در ساختار مدیریت شهری ایران (بویژه ساختار مدیریت شهری شهرهای میانی) جهت ساماندهی مناطق اسکان غیررسمی شکل گرفته و عملکرد یابد. در غیر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

اینصور مسائل موجود شهری نه تنها سامان دهی نخواهد شد بلکه روز به روز ابعاد و مسائل جدید بر مسائل موجود افزوده خواهد شد.

منابع و ماخذ

۱. ارجمند نیا اصغر (۱۳۶۸) نقش شهرهای میانی در نظام اسکان جمعیت، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال سوم شماره ۷، صص۱۶۸-۱۵۶

۱. امکچی حمیده (۱۳۶۴) نقش شهرهای میانی در چارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران، تهران.

۲. برمن مارشال (۱۳۷۹) تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهاد پور، انتشارات نو، تهران.

۳. حامد مقدم احمد (۱۳۷۳) نگرشی بر نظریه های نوین در توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی،سال ششم، صص ۷۴-۴۲.

۴. حقیقی محمد علی (۱۳۷۸) تئوریهای مدیریت، انتشارات نقش شهر.

۵. رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱) مدیریت عمران شهری، پیوند نو.

۶. زبردست اسفندیار (۱۳۸۳) اندازه شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

۷. سعید نیا احمد (۱۳۸۳) مدیریت شهری، انتشارت سازمان شهرداریها، تهران.

۸. فرید یداله (۱۳۷۳) جغرافیا وشهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز.

۹. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳) تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضا، رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی اکبر پرهیزگار، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۰. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۰) چشم انداز وضعیت مطلوب مدیریت شهری در افق ۱۴۰۴، همایش ظرفیت نهادی در شهرداری ها، سازمان شهرداری ها، تهران.

۱۱. محمد زاده تیتکانلو، حمید (۱۳۸۱) تبیین نقش شهرهای نتوسط در توسعه فضایی منطقه ای (شهر بجنورد) رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.

۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران، تهران.

۱۳. هیوز، آون (۱۳۷۷) مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی، انتشارات مروارید، تهران.

14. Acioly Claudio (2003)The Meaning and Scope of Urban Management: an introductory note", in Sirry, Azza 'Urban Management Practices in Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis', Elias Modern Publishing House, Cairo, Egypt.

15. Congdon Peter (1989) Modeling population changes in small English urban planning, V.18, pp. 95-120.

16. Filho,O,B,A(1986)Middle size cities& Brazils territorial planning in Zadar. pp1297-1322

17.Rondinelli,Dennis(1993)Secondary cities in developing countries, Sag press.V.145

18. Schmitt B &Henry M.(2000)Size and growth of urban iv French labor market areas, Regional science and urban economics,V.30,pp1-21

19. UIA (1999) Intermediate cities and word urbanization, Work programmed, Liedia Spain.

20. yann Chiu, Shen(2009)THE USE OF CORPORATE SYNERGY SYSTEMS IN PROMOTING INDUSTRIALWASTE MINIMIZATION IN SMALLAND MEDIUM ENTERPRISES IN TAIWAN, Taiwan Environmental management, As-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]

sociation, Taipei International Green Productivity Association, Taipei.pp105-115

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-31]